

حرف درشت

تدریس چرب‌زبانی



• دبیرکل شورای عالی آموزش‌وپرورش اعلام کرده «تدریس زبان انگلیسی در مدارس ابتدایی ممنوع است و در صورت مشاهده برخورد خواهد شد».

این خبر چندتا چیز را روشن کرد: اول اینکه این دلاوران فکر می‌کنند واقعا چیزی که توی مدرسه یاد می‌دهند مهم است! والا. بـا ایـن روش تدریس که مدارس ما دارند، طرف بعد از فارغ‌التحصیلی نمی‌تواند یک معادله یک مجهولی را حل کند و وقتی می‌رود دانشگاه، استاد دوباره از چهار عمل اصلی شروع می‌کند.

یا فارغ‌التحصیل ما وقتی می‌خواهد به زبان انگلیسی بگوید یک لیوان آب به من بدهید، انگار ای‌تی دارد سعی می‌کند با اهالی زمین ارتباط برقرار کند. شما فقط یک لحظه تصور کنید انگلیسی حرف‌زدن آقای احمدی‌نژاد را که نه‌تنها مدرسه ابتدایی را تمام کرده بود، بلکه در دانشگاه هم درس می‌داد! یعنی وقتی دلاوران مسئول به این چیزها فکر کنند، اصلا نگران آموزش زبان انگلیسی در مدارس نخواهند بود.

بعد هم دلاوران یک‌طوری می‌گویند تدریس زبان انگلیسی در مدارس ممنوع است که آدم خیال می‌کند زبان‌های محلی شاکی خصوصی تدریس زبان انگلیسی بودند و زبان انگلیسی جا را برای آنها تنگ کرده است.

خود زبان فارسی هم دل خوشی از تدریس‌شدن در مدارس ندارد؛ یعنی زبان فارسی برای خودش کلی شاعر و نویسنده دارد، بعد شما کتاب فارسی دبستان و دبیرستان را ورق می‌زنی، عین برنامه‌های تلویزیون است. درواقع خود ما وقتی کتاب فارسی مدرسه را ورق می‌زنیم، یک لغت‌نامه می‌گذاریم کنار دستانم ببینیم چی شد. خلاصه که حرف درشت ما این است که اصل زبان هم نه زبان فارسی است، نه زبان انگلیسی، نه زبان ترکی، نه زبان عربی و نه زبان ژاپنی. اصل زبان، زبان سرخ است که سر سبز را بر باد می‌دهد که خوشبختانه این زبان جایی تدریس نمی‌شود و نهایتا زبان چرب‌زبانی و پاچه‌خواری آموزش داده می‌شود.

شترت روزنامه

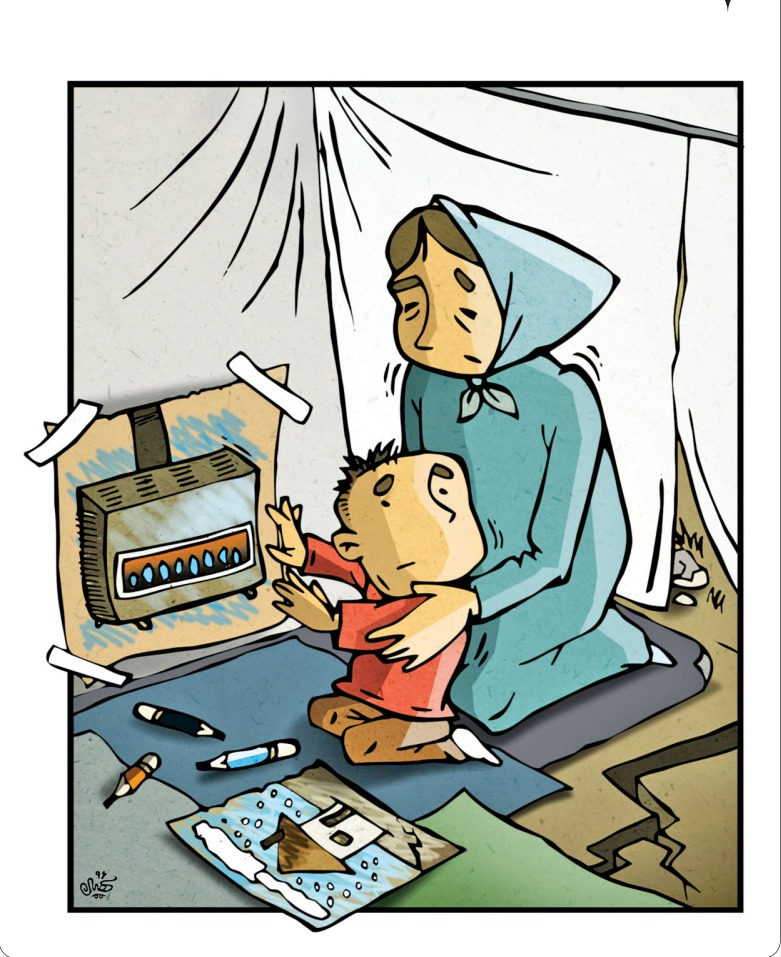
دوشنبه • ۱۸ دی ۱۳۹۶ • ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ • ۸ ژانویه ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۵۵ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۷:۲۸ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۶ • طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سهیل محمدی



پیشگیری از ابتلا به سرطان با روزی ۳۰ دقیقه ورزش



شماره کارت ۴۸۷۴-۰۰۴۳-۰۰۸۳۷۰-۵۸۵۹
بنیاد نیکوکاری کنترل سرطان



آکادمی

مسئول و مسئولیت

رویکردی اخلاقی نیست. برشمردن دستاوردهای موجود چیزی به دستاوردهای واقعا به‌دست‌آمده نمی‌افزاید، چه برسد به دستاوردهای آتی و مشکوک و خیالی!! تنها برشمردن نواقص و معایب احتمالی است که می‌تواند چیزی بر دستاوردهای به‌دست‌آمده بیفزاید. وقتی که مسئولی هر نقد واردشده را با نقدی جدی‌تر و اساسی‌تر کامل کند، نه‌تنها با مسئولیت‌پذیری خود آرامشی برای منتقد و دیگران پدید می‌آورد، بلکه امید به بهبود شرایط را هم فراهم می‌کند.

در برابر انتقاداتی که آشکارند و به انحای مختلف تکرار می‌شوند، ناامیدکننده‌ترین واکنش‌ها، لحن مسئولی است که چنان پاسخ می‌دهد که گویی از اساس هیچ مشکلی وجود نداشته است. مسئولان از سویی دیگر، تنها کسانی هستند که می‌توانند مناسب‌ترین پاسخ‌ها را به منتقدان داده، ایشان را ساکت کنند و آن هم چیزی نیست جز آنکه ایراد را برطرف کنند یا حداقل نشان دهند اشکال موجود در یک پروسه زمانی قابل اصلاح است و زمان بخواهند و اگر ضمن اذعان به اشکالات موجود رفع اشکال را به دلیل عوامل مختلف غیرقابل‌حل می‌دانند نشان دهند که در حال رساندن پیام «استخوان» در اعلام وصول «کارد» برای مسئولان بالاتر از خود هستند.

سلام به فردا

بحران نتیجه بی‌اعتمادی است



امان‌الله قریبی‌مقدم

بی‌اعتمادی جامعه را فرا گرفته است و هر بار به‌گونه‌ای بروز پیدا می‌کند. وقتی صحبت بی‌اعتمادی با نظریاتی درباره دروغ‌گویی سیستماتیک مطرح می‌شود، باید گفت که بی‌اعتمادی به‌طورکلی، فقط به تلویزیون و بی‌اعتمادی به آن محدود نمی‌شود. آیا به چک‌های بانکی اعتماد دارید؟ به سفته اعتماد دارید؟ به گفته‌ها اعتماد دارید؟ به یکدیگر اعتماد دارید؟ به دستوراتی که از بالا صادر می‌شود و قرار است اجرائی شود، اعتماد دارید؟ بحث این است که به آنچه قول داده‌اید، عمل کنید. آقای رئیس‌جمهور گفته‌اند که از وزیر خواسته‌اند کلید قطع تلگرام را زنند.

وقتی این کلید را می‌زنند، چه معنایی پیدا می‌کند؟

نخستین مسئله در مورد تلویزیون این است که باتوجه به نهاد نظارتی آن، تلویزیون سیاسی است: تلویزیونی است که ناچار است در هر کلمه‌اش مسائل سیاسی را در نظر بگیرد. آزاد نیست که به میان مردم بیاید و واقعیات را بیان کند. تلویزیون چون خصوصی نیست و وابسته به تعداد مخاطبان نیست و برایش مهم نیست که چه تعداد بیننده و شنونده جلب می‌کند، به اعتماد مخاطب نیازی ندارد. می‌خواهد برنامه‌اش را پر کند. حتی اگر مسئولانش بخواهند که مخاطب جلب کنند، چاره‌ای ندارند. همان‌طور که پیش‌تر در مقاله‌ای در همین روزنامه «شرق» نوشته‌ام، اعتماد «عمودی» در جامعه نرخم‌نا شده است. این را فرانسیس فوکویاما، جامعه‌شناس ژاپنی گفته که دو نوع اعتماد را مطرح کرده است: اعتماد افقی که بین مردم با مردم است و اعتماد عمودی که به دو صورت صعودی و نزولی است؛ یعنی بین مردم و مقامات از بالا به پایین و از پایین به بالا. وقتی مردم به گفته‌های مقامات، اعم از قوه‌مجریه و مقننه و دیگران، عمل نکنند، به این معناست که اعتماد عمودی ضعیف شده است. وقتی که اعتماد عمودی ضعیف شود، اعتماد افقی نیز به‌تبع آن ضعیف می‌شود؛ چون این دو به هم وابسته‌اند. مردم از متولیان خط می‌گیرند، تلویزیون حتی حرف رئیس‌جمهور را عوض می‌کند. دست‌چین می‌کند. تلویزیون یک دستگاه دولتی است. مردم چگونه به تلویزیون اعتماد کنند وقتی درباره اتفاقات داخل کشور چیزی نمی‌گوید، اما تظاهرات کشورهای دیگر را در بوق و کرنا می‌کند؟ من خود تلویزیون را مقصر نمی‌دانم، مسئولان را در این وضع مسئول می‌دانم. مردم حتی به خبرنگاران رسانه‌های دیگر نیز اعتماد ندارند.

وقتی اعتماد عمودی از جامعه رخت برمی‌بند نتیجه‌اش چیزی است که در خیابان‌ها اتفاق افتاده است. در مقاله‌ای که روز شنبه در صفحه چهار روزنامه دولتی «ایران» چاپ شده است، من گفته‌ام که باید صدای جوانان معترض را بشنویم. چون «آینده جامعه متعلق به جوانان است». کدام امید برای جوانان به‌وجود آمده است؟ فقط به آنها گفته شده شغل و مسکن و امکان ازدواج ایجاد می‌شود، اما اثری از آن در واقعیت دیده نمی‌شود. همه اینها نتیجه بی‌اعتمادی است؛ بی‌اعتمادی به مسئولان و به بزرگان. وقتی بی‌اعتمادی جامعه را می‌گیرد، تلویزیون هم به‌عنوان یک دستگاه به آن مبتلا می‌شود.

دور دنیا

ماست‌بند پرنفوذ

یکی از صد شخصیت پرنفوذ سال ۲۰۱۷ به انتخاب مجله تایم، حمدی اولوکایا، بازرگان و کارآفرین آمریکایی و بنیان‌گذار و مدیرعامل برند «چوبانی» یا پرفروش‌ترین برند ماست کچیهد در آمریکاست. اولوکویا کردتبار و زاده سال ۱۹۷۲ در ارزنجان ترکیه، حدود ۲۰ درصد از بازار ۶/۵ میلیاردلاری ماست آمریکا را در دست دارد و نامش در فهرست میلیاردهای سال ۲۰۱۳ مجله فوربس آمده است. خانواده او در نزدیکی رودخانه فرات در ترکیه دامداری داشتند و پنیر و ماست تولید می‌کردند. او در اتریش نیز کارخانه دارد و سومین تولیدکننده ماست آن کشور است.

نمودار

خانواده‌هایشان موبایل‌های آبان را چک می‌کنند. ۵۲ درصد از خانواده‌ها اغلب در تلاش‌اند تا زمان استفاده از موبایل و شبکه‌های اجتماعی را کنترل یا محدود کنند. اما چه سنی برای استفاده از موبایل مناسب است؟ هنوز کسی جواب این سؤال را نمی‌داند. هرچند می‌توان برای جلوگیری از آسیب‌های بعدی به این نکته‌ها توجه کرد برای کودکان ۱۸ تا ۲۴ ماهه به‌هیچ‌وجه از تلویزیون و موبایل استفاده نشود. برای آرام‌کردن کودکان دو تا چهار سال از این ابزار استفاده نکنید و اگر این روش را در پیش گرفتید حتما در کنارشان باشید و آنها را تنها نگذارید.

۵۰ درصد از نوجوانان خودشان معتقدند که وابسته (معناد) به موبایل‌شان هستند.

۶۹ درصد از والدین و ۷۸ درصد از نوجوانان هر ساعت موبایل خود را چک می‌کنند.

۷۲ درصد از نوجوان احساس مسئولیت می‌کنند که باید بلافاصله به پیام‌ها و نوتیفیکیشن‌های شبکه‌های اجتماعی که عضو هستند، جواب دهند. ۶۶ درصد از والدین فکر می‌کنند فرزندانشان بیش از اندازه به موبایل خود وقت می‌گذرانند.

۳۶ درصد از والدین معتقدند که دعواهای روزانه‌شان با فرزندان به‌دلیل استفاده از موبایل است.

۵۴ درصد از نوجوانان فکر می‌کنند که

کودکان از چه سنی موبایل داشته باشند؟

سی‌ان‌ان گزارشی را درباره نحوه استفاده از ابزار هوشمند در کودکان منتشر کرده است. بیش از ۵۱ درصد کودکان آلمانی شش تا ۱۳ ساله تلفن‌همراه دارند و طبق تحقیق سال ۲۰۱۵ در سراسر اروپا ۴۶درصد جوانان دارای موبایل هوشمند هستند. کمی عقب‌تر در تحقیق سال ۲۰۱۴ مشخص شده بود که ۸۰ درصد کودکان اروپایی دارای موبایل یا گوشی هوشمند بوده‌اند. در آمریکا ۴۵ درصد کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال موبایل را دارند، هرچند در کره‌جنوبی ۷۲ درصد کودکان ۱۱ تا ۱۲ ساله روزانه بین چهار تا پنج ساعت وقت خود را باگوشی‌هایشان می‌گذرانند.



بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی

گاه شاهدیم برخی از ما وقتی مسئولیتی را برعهده می‌گیریم؛ خواه در گذشته بسیار نزدیک منتقد سیستمی که مسئولش شده‌ایم باشیم یا خیر، به‌شدت از آن سیستم دفاع کرده و تمام انتقادات خود را متوقف می‌کنیم، هر نقدی را پاسخ داده و مهم‌تر از همه آنکه هر نقدی را مانند گونه‌ای از انتقادات که به خصوصیات فردی شخص ما وارد شده باشد، پاسخ می‌دهیم. در این یادداشت بنا دارم به رابطه فرد با مسئولیتی که برعهده می‌گیرد، بپردازم. قدر مسلم آنکه در شرایط کشور ما در هر مؤسسه‌ای، به دلایل مختلف نقش بالاترین‌مدیر در تمام مسائل و حتی در جزئیات اجرایی هم بسیار پررنگ است. اولاً ناکارآمدی سیستم‌ها با دلایل خاص خود نقش مدیر را به‌عنوان کسی که می‌تواند موانع را بای‌پس کند، پررنگ می‌کند. ثانیاً خصوصیات سستنی جامعه شرقی ما رنگ‌های گونه‌گون زردستان را می‌فرساید و همه را یک‌رنگ به صورت توده‌ای درمی‌آورد که تنها

۶ درجه

تلگرام و تغییر پارادایم ارتباطات در ایران

حسین کرمانی

نخستین و خیرسازترین قربانی اعتراض‌های اخیر در کشور تلگرام بود؛ پیام‌رسانی که اندک‌اندک از اواخر سال ۱۳۹۳ وارد زندگی روزمره ایرانی‌ها شد و در مدت حدود سه سال نه‌تنها توانست در بسیاری از روندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور تأثیرگذار باشد، که نحوه برقراری ارتباط را در جامعه ایرانی دستخوش تغییر کرد. این نکته‌ای است که حامیان و حتی مخالفان فیلترشدن تلگرام در ایران در تحلیل‌های خود نسبت به آن بی‌توجه هستند و من در این نوشته قصد دارم بیشتر درباره آن صحبت کنم. فیلتر تلگرام اساساً امری اشتباه است که هرچند می‌تواند در کنترل ناآرامی‌ها در مدت کوتاه مؤثر باشد، اما نتایج درازمدت آن بی‌شک منفی و مخرب خواهد بود. برای درک این گزاره باید به عوامل مختلفی توجه کرد. نخستین نکته توجه به دلایلی است که موجب همه‌جایی‌شدن تلگرام در ایران شد. نظریه استفاده و خشنودی می‌گوید که اصولاً نیازهایی در افراد وجود دارد که آنها را وارد امر می‌کند رسانه‌ای خاص را مصرف کنند. من در تحقیقی نشان داده‌ام که سه دسته عوامل گوناگون در همه‌جایی‌شدن تلگرام دخیل بوده‌اند: عوامل جامعه‌محور، رسانه‌محور و کاربرمحور که پرداختن به همه آنها در اینجا ممکن نیست، بنابراین حقیقت ساده این است که با کناررفتن تلگرام، این نیازها حذف نخواهند شد و درصورتی‌که جایگزین مناسبی برای آنها پیدا نشود، به سرخوردگی کاربران منجر می‌شود. اینجا نکته دیگری باید مورد توجه باشد؛ میزان و شدت استفاده از تلگرام ازسوی کاربران ایرانی با هیچ نرم‌افزار دیگری در تاریخ رسانه‌های اجتماعی در ایران قابل‌قیاس نیست. تلگرام نه‌تنها افرادی را که حداقل آشنایی با اینترنت داشتند به خود جلب کرد و آنها را به کاربران دائمی خود تبدیل کرد که حتی موجب شد رسانه‌ها، افراد و نهادهای محافظه‌کار نیز که پیش از این مواضع سرسختی در مورد رسانه‌های اجتماعی پیشین مانند فیس‌بوک و توئیتر داشتند نیز به استفاده از این رسانه رو آورده و در آن فعال شوند. مهم‌تر از همه اینها، تلگرام، پارادایم ارتباطات را در جامعه ایرانی تغییر داده است. درواقع، تلگرام درحال حاضر جزئی جدایی‌ناپذیر از ارتباطات افراد جامعه شده و همین مسئله فیلتر آن را با دیگر رسانه‌های اجتماعی متفاوت می‌کند، هرچند فیس‌بوک و توئیتر نیز در زمانی که فیلتر شدند، کاربران زیادی داشتند، اما تعداد و همچنین نوع آن کاربران با کاربران تلگرام متفاوت بود. کاربران فیس‌بوک و توئیتر عمدتاً جوانان تحصیل‌کرده‌ای بودند که برای اظهارنظر و اطلاع‌رسانی سیاسی- اجتماعی از آن رسانه‌ها استفاده می‌کردند. این افراد در حد استفاده از فیلترشکن، سواد دیجیتالی داشتند بنابراین فیلتر این رسانه‌ها تغییری در دیدگاه‌ها یا سواد دیجیتالی آنها ایجاد نمی‌کرد، زیرا فیس‌بوک تا پیش از انقلاب تلفن‌های هوشمند و ظهور پیام‌رسان‌ها، با وجود فیلتربودن باز هم تعداد زیادی کاربر فعال داشت. اما قسمت زیادی از کاربران تلگرام افرادی هستند که سواد دیجیتالی پایینی دارند، پیام‌ها و آمار مختلف در چند روز اخیر نشان می‌دهد که بسیاری از این افراد پیش از این حتی با فیلترشکن هم آشنا نبوده‌اند. آنها به استفاده از تلگرام خو گرفته‌اند و در گروه‌های مختلف خانوادگی، دوستی، شغلی، خبری و... فعالیت دارند. بسیاری از این افراد دیگر به‌جای تلفن‌زدن، دیدار حضوری و استفاده از اس‌ام‌اس، با تلگرام با دوستان و آشنایان خود ارتباط برقرار می‌کنند. همین مسئله در سطح وسیع است که باعث شده ادعا کنم پارادایم ارتباطات در ایران درحال حاضر تغییر کرده است. ما برخلاف گذشته به‌جای برقراری ارتباط با زبان، با تلگرام ارتباط برقرار می‌کنیم. احساسات خود را با ارسال شکلهک، گیف و استیکر ابراز می‌کنیم و خیلی وقت‌ها بدون استفاده از این امکانات حتی در انتقال معنای مورد نظر خود احساس کمبود می‌کنیم. این اتفاقی است که با فیس‌بوک، توئیتر و... نیفتاد اما تلگرام باعث آن شد. بنابراین حذف تلگرام فقط حذف یک برنامه پیام‌رسان نیست، بلکه حذف یک شیوه ارتباطی است. تغییر بنیادین در لایه‌های معرفت‌شناسانه افراد، تبعات گوناگونی دارد و به آسانی قابل کنترل یا حتی پیش‌بینی نیست. من در این نوشته وارد جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و... فیلترینگ تلگرام نشده‌م و فقط سعی کردم از منظر ارتباطی، یک بعد خرد از این مسئله را تحلیل کنم. دقت به اختلال‌های ایجادشده در برقراری ارتباط بین افراد در روزهای اخیر، نشان می‌دهد که چرا معتقدم تلگرام، پارادایم ارتباطات را در ایران تغییر داده و تغییر مجدد این پارادایم در وهله نخست ممکن نیست و در وهله دوم، حتی اگر ممکن باشد با نارضایتی و سرخوردگی خواهد بود.

